

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

باز تایپ و ارسال از: لاله

## تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی  
چاپ «نعیم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

### بخش سی و دوم

۱۴ می ۲۰۱۴

#### ۵- سازماندهی ارتش رهانبخش ملی و قیام همگانی توده‌نی:

پس از نخستین کنفرانس سراسری، کار سیاسی و سازمانی حزب به طور عمده متوجه آماده ساختن خلق برای قیام همگانی و در درجه اول متوجه سازماندهی ارتش رهانبخش ملی گردید.

حزب به خلق البانی، به کارگران، دهقانان، شهریان، زنان، جوانان، دختران، ناسیونالیست ها و روشنفکران میهن پرست ندا داد که همه نیرو های خود را برای مبارزه به ضد اشغالگران فاشیست و خائنان گرد آورند، هر روز به تعدادی بیشتر به پارتیزان ها بپیوندند تا واحد های تازه ای به وجود آورند و مبارزه مسلحانه را تقویت کرده به سوی قیام همگانی رهسپار گردند. حزب به خلق می آموخت که:

«سرنوشت کشور وابسته به مبارزه ای است که ما انجام می دهیم، و این مبارزه به ضد اشغالگران هر چه پردامنه دار تر و توفانی تر باشد روز رهایی نزدیک تر خواهد بود.»<sup>۱</sup>

مبلغان «بالی» در هر سو جار می زدند که البانی ها نمی توانند و نباید به ضد ایتالیا به نبرد بر خیزند و ایتالیا باید به دست متفقین مغلوب شود که در عین حال برای البانی، آزادی و استقلال خواهند آورد. انور خوجه در افشای آنها در «زری ای پوپولیت» چنین نوشت:

«چه می شد اگر همه مثل این «سیاستمداران بزرگ» استدلال می کردند؟... خیلی ساده است... البانی کوچک برای همیشه به صورت خادم موسولینی در می آمد...»

یکی برای همه، همه برای یکی. روسیه، انگلستان و امریکا با ارتش های بزرگ، با تانک و هواپیما می جنگند. ولی این امر دلیل بر آن نیست که ما با تفنگ که یگانه سلاح ماست نجنگیم... جنگ نه با نثار گل از پیش می رود و نه با

<sup>۱</sup> - اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی خطاب به خلق البانی، ۷ اپریل ۱۹۴۳. اسناد عمده حزب کار البانی، جلد اول صفحه ۱۲۳

تاخت و تاز قلم... و آزادی نه با سخن پردازی به دست می آید و نه با سازش بلکه به بهای رنج ها و خونی که نثار می شود.<sup>۲</sup>

کمونیست ها به موازات فعالیت پر دامنه ای که در بین خلق انجام می دادند به کار مخفی در بین سربازان، ژاندارم ها و پاسبانان البانی، در بین کلیه کسان فریب خورده ای که به خدمت اشغالگران در آمده بودند و همچنین در بین سربازان و کارگران ایتالیائی مقیم البانی توسعه بخشیدند. برای اینها تراکت هائی به زبان ایتالیائی پخش شد.

در پاسخ ندای حزب و در اثر فعالیت نیرومند کمونیست ها صد ها جنگجوی جوان به صفوف واحد های پارتیزانی پیوستند. بسیاری از دانش آموزان دبیرستان ها به کوهستان رفتند و به جنگجویان راه آزادی ملحق شدند. میهن پرستانی که از قسمت های نظامی دشمن گریخته بودند صفوف پارتیزان ها را گسترده تر ساختند. تعداد پارتیزان در عرض مدتی کمتر از سه ماه دو برابر شد. در می ۱۹۴۳ نخستین گردان ها و همچنین نخستین ستاد های منطقه ئی به وجود آمدند. در جولای، ۲۰ گردان و ۳۰ واحد پارتیزانی در سراسر کشور عمل می کردند.

### در هم شکستن فراکسیون که در منطقه ولورا پدید آمد

در هنگامی که حزب در اجرای وظائف محوله از طرف نخستین کنفرانس سراسری به آماده سازی قیام همگانی مشغول بود و دشمنان خلق و کمونیسم، صدیق پرمت، پال ترووا مخفیانه در منطقه ولورا به تشکیل فراکسیون دشمن حزب کمونیست البانی، دست زدند. در واقع آنها در زمانی که رهبران عمده منطقه ئی حزب برای شرکت در نخستین کنفرانس سراسری حزب کمونیست البانی از محل دور شده بودند به تشکیل این فراکسیون مبادرت جستند. آنها با استفاده از این وضع و از فقدان هوشیاری، انضباط و آمادگی مارکسیستی - لنینیستی که در صفوف کمونیست ها دیده می شد توانستند عده ای از اعضای حزب و همچنین فرماندهی واحد پارتیزانی ولورا، واحد موسوم به «پلاکا»<sup>۳</sup> را بفریبند و به خود جلب کنند. فراکسیونیست ها در اپریل اعلام داشتند که کمیته منطقه ئی حزب را قبول ندارند و شعار دادند که به زودی از به اصطلاح «کنفرانس حزب» دعوت به عمل آید تا کمیته منطقه ئی را سرنگون گرداند و کمیته جدیدی با شرکت صدیق پرمت و هواداران نزدیکش انتخاب کند.

هدف فراکسیون متخاصم آن بود که زمام سازمان حزب و همچنین فرماندهی واحد های پارتیزانی را در ولورا به دست گیرد، «کمونیست های ثابت قدم» و در درجه اول کادر های رهبری را از میان بر دارد، مبارزه رهائیبخش را در آن ناحیه خاموش کند، سپس خرابکاری خود را به سایر نواحی کشور گسترش داده کمیته مرکزی را سرنگون سازد و حزب کمونیست را نابود گرداند. خائنان با سران «بالی کمبتار» توافق کرده بودند که به منظور نیل به هدف فوق به هماهنگی یک دیگر دست به عمل زنند. آنها با توسل به فریب و افتراء، با تکیه بر بالیست ها در صدد بر آمدند که دهقانان را به حملات مسلحانه بر ارگان های حزب و واحد پارتیزانی بر انگیزند. در عین حال به عده زیادی از کمونیست ها در مناطق مختلف و همچنین به کمیته منطقه ئی ژیروکاسترو نامه نوشته مدعی شدند که انگیزه شورش فراکسیونیست ها تصمیمات «غیر عادلانه» ای است که حزب علیه آنستاس لولا، صدیق پرمت و فراکسیونیست های دیگر اتخاذ کرده است، و پشتیبانی آنان را خواستار شدند.

کمیته مرکزی، وضع وخیمی را که در سازمان حزبی منطقه ولورا پیش آمده بود به حق خطر بزرگی برای سراسر حزب تلقی کرد و دبیر کل حزب انور خوجه شخصاً به محل رفت تا مبارزه علیه فراکسیون را رهبری کند.

مبارزه برای از هم پاشاندن این فراکسیون در زیر شعار «حزب مقدم بر همه چیز» سازمان داده شد. انور خوجه و حسنی کاپو و محمد شیخو، دبیران کمیته منطقه ئی، در جلسات و در تماس های فردی، هدف واقعی فراکسیون و خطر

<sup>۲</sup> - انور خوجه. «عملیات وحشیانه فاشیسم و گماشته وی میخائیلویچ»، مارس ۱۹۴۳. جلد اول آثار. چاپ البانی. صفحات ۲۴۶ - ۲۴۷

<sup>۳</sup>

بزرگ فعالیت دشمنانه آن را برای حزب، به اعضای حزب توضیح دادند. تقریباً همه کمونیست هائی که فریب خائنان را خورده بودند خطای خویش را دریافتند و هرگونه ارتباط خود را با آنها بریدند. مردم منطقه ولورا و مالاکاسترو نیز به خیانت صدیق پرمت پی بردند و در کنار حزب فعالانه در امحای فراکسیون شرکت جستند. در ماه می کار تمام بود. صدیق پرمت که به عنوان دشمن خلق و حزب افشاء شده بود توانست بگریزد و به ولورا که در اشغال فاشیست های ایتالیائی بود، برود.

کمیته مرکزی حزب پس از بر انداختن فراکسیون متخاصم در ناحیه ولورا، در بخش نامه خاصی در ماه جون ۱۹۴۳ مبداء و هدف فراکسیون مذکور را تشریح کرد و به همه کمونیست ها چنین خاطر نشان ساخت:

«این تجربه باید درسی باشد برای همه سازمان های حزب و به ویژه سازمان ولورا... ما باید به شدیدترین وجهی با این دشمنان پست مبارزه کنیم... ما باید از این عناصر نفرت داشته باشیم و در هر جا که به آنها بر بخوریم و هر بار که سر بردارند آنها را بی امان بگوییم...»<sup>۴</sup>

قضیه ولورا برای سراسر حزب درس بزرگی بود و به کمونیست ها کمک کرد که خطر دشمنان حزب را بهتر دریابند و انضباط خویش را تحکیم کنند، هوشیاری و پیکارجویی خود را در فعالیت انقلابی بالا ببرند. دیگر نظیر این پدیده ها تا پایان مبارزه روی ننمود.

ادامه دارد...

<sup>۴</sup> - بخشنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی، ۱۷ جون ۱۹۴۳. اسناد عمده حزب کار البانی، جلد اول صفحه ۱۴۶